

Controversy in the Narrative of Zat al-Salasel and Assessing its Documents and News

Maryam Saeedyan Jazi  |

Associate professor, Department of Islamic Knowledge, faculty of Theology and the Teaching of Ahl Al-Bayt (AS), University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: msaeedyan@ltr.ui.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 21Sept2021 Received in revised form: 9Janu2022 Accepted: 8Mar2022 Published online: 5May2022</p> <p>Keywords: Zat al-Salasel, Amr ibn al-Āṣ Ali (AS), distortion, document conflict .</p>	<p>Zat al-Salasel is one of the important events that occurred during the time of the Prophet (PBUH). But the news and documents about it are scattered and inconsistent. Assessing the validity and status of the narrations of this series is a subject that has been paid less attention by Islamic sources and contemporary scholars. This article seeks to evaluate the news and documents related to the Essence Series and explain the point of view. The present research is based on the historical and descriptive study of documents and the sources of the Islamic (Shi'a and Sunni). In the first article, different opinions about the series are separated, then the analysis and some reasons for the conflicts are evaluated and finally re-read. The results of this study indicate that this series is important in the period of the Prophet's time), due both to the reasons for its occurrence and the following events, and also to the effect on the future events of the Islamic society, but the conflict between documents and The heterogeneity of the content of the news and selection of Islamic sources has prevented the narrative from the series and the methods of Prophet Muhammad (PBUH), the selection of individuals, goals, and ultimately a series. In this way, some of the political and social developments, and people based on these are extracted.</p>

Cite this article: Saeedyan Jazi, Maryam (2022) Controversy in the Narrative of Zat al-Salasel and Assessing its Documents and News. Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 16No30, Pages 265.292.

DOI: 10.22111/JHR.2021.31076.2614

© The Author(s). Maryam Saeedyan Jazi,
Publisher: University of Sistan and Baluchestan

DOI: 10.22111/JHR.2021.31076.2614



صحت سنجی روایات سریه ذات‌السلاسل و ارزیابی اسناد و اخبار آن

مریم سعیدیان جزئی 

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران رایانامه: msaeedyan@ltr.ui.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

سریه ذات‌السلاسل یکی از حوادث مهمی است که در دوران رسوالت (ص) رخ داد؛ اما اخبار و اسناد موجود درباره آن پراکنده و ناهمسو است. سنجش اعتبار و جایگاه روایات این سریه موضوعی است که منابع اسلامی و پژوهشگران معاصر به آن کمتر توجه کرده‌اند. این جستار به دنبال آن است تا اخبار و اسناد مرتبط با سریه ذات‌السلاسل را ارزیابی و دیدگاه مختار را تبیین نماید. پژوهش کتابخانه‌ای حاضر به شیوه مطالعه تاریخی و توصیفی، اسنادی تنظیم و منابع تاریخی، کلامی، فقهی، تفسیری و ادبی فریقین (شیعه و سنی) مورد استفاده قرار گرفته است. در مقاله، نخست روایات مختلف درباره سریه به تفکیک آمده، سپس تحلیل و برخی دلایل تعارض‌ها، ارزیابی و درنهایت سریه بازخوانی شده‌است. نتایج حاصل گویای آن است که تعارض سندی و ناهمگونی محتوایی اخبار و گزینش‌های منابع اسلامی مانع آن شده تا روایت پیوسته‌ای از سریه، غرض و سرانجام آن ارائه گردد. در عین حال بخشی از تحولات سیاسی و اجتماعی و جایگاه افراد بر اساس این اخبار استخراج و تحت‌تأثیر آن است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۲/۱۵

واژه‌های کلیدی:

ذات‌السلاسل،

عمرو بن عاص،

علی (علیه السلام)

تحریف،

تعارض سندی.

استناد: سعیدیان جزئی، مریم (۱۴۰۱). صحت سنجی روایات سریه ذات‌السلاسل و ارزیابی اسناد و اخبار، مجله پژوهش‌های

تاریخی ایران و اسلام، بهار و تابستان ۱۴۰۱، دوره ۱۶، شماره ۳۰، ص ۲۶۵-۲۹۲.

DOI. 10.22111/JHR.2021.31076.2614

مقدمه

ذات‌السلاسل در تاریخ صدر اسلام ناظر بر دو حادثه تاریخی است. نخست سریه ذات‌السلاسل که در سال ۸ هجری رخ داد و دیگری رویارویی سپاه مسلمانان با سپاه ساسانی در نبرد ذات‌السلاسل در سال ۱۲ هجری بوده است (طبری، بی‌تا، ۳: ۳۴۹). در این پژوهش سریه ذات‌السلاسل مورد بررسی قرار می‌گیرد. سریه ذات‌السلاسل از رویدادهای برجسته تاریخ صدر اسلام است که در زمان حیات رسول‌الله (ص) در سرزمین ذات‌السلاسل و در ستیز با اعراب مرزهای شمالی شبه‌جزیره رخ داد. حوادثی که در این سریه رخ داد نقش مهمی در تحولات جامعه اسلامی پس از رحلت دارد؛ اما ضعف سلسله اسناد و تعارض اخبار، سوگیری در نقل اخبار و فضیلت‌تراشی برای برخی صحابه مانع از ارائه یک روایت پیوسته و منسجم از این واقعه شده است. این پژوهش به دنبال آن است تا این روایات را ارزیابی و میزان اعتبار و صحت آنها را بررسی نموده و یک روایت پیوسته از این سریه ارائه دهد. بر این اساس گزارش سریه ذات‌السلاسل در منابع مختلف مورد بررسی قرار گرفت. متون سیره و مغازی و کتب طبقات و منابع روایی از مهم‌ترین آثار در این زمینه هستند. نویسندگان متون فقهی، تفسیری و روایی هم به تناسب به آن اشاراتی کرده و آرا خود را در لابه‌لای آن ذکر کرده‌اند (صالحی، ۱۴۱۴، ۶: ۱۷۵).

بسیاری از اخبار درباره سریه یا غزوه بودن سریه، مخالفان و ترکیب آنها، زمان و مکان سریه، فرماندهان و ترکیب نیروهای اعزامی، مراحل اعزام نیرو، مسئولیت افراد، سری حواث، تدابیر پیامبر (ص) و سرانجام سریه و اهمیت آن دچار اختلاف هستند. برای حل این موضوع، روایات موجود درباره سریه ذات‌السلاسل از منابع مختلف استخراج و براساس معیار جایگاه مؤلف، گرایش‌های فکری مؤلف، اهمیت کتاب و گونه‌شناسی آن در بین منابع اسلامی، شیوه نقل اخبار، تحلیل‌ها و استدلال‌های نویسنده و جایگاه آن در آثار دیگران، از جهت بیرونی و مطابقت حادثه با وقایع قبل و بعد و تاریخ‌گذاری آنها، جایگاه صحابه در منابع صحابه‌نگاری، عینیت داشتن حادثه با اخبار و مانند آن از جهت درونی تفکیک، منظم و ارزیابی گردید و در نهایت براساس صحت سنجی اخبار یک روایت پیوسته از سریه ارائه گردید قرار گرفت.

سریه ذات‌السلاسل در منابع شیعه و سنی به صورت مجزا و مغایر با یکدیگر روایت شده است. منابع سنتی افزون بر روش نقلی دارای جهت‌گیری‌های شناخته شده بوده و علاقه‌مندی ویژه‌ای برای انتقال دیدگاه‌های فرقه‌ای داشتند. در عین حال اخباری درباره سریه در منابع شیعی قابل دریافت است که سلسله اسناد برخی آنها از اهل بیت (ع) می‌باشد (یعقوبی، بی تا، ۲: ۷۵؛ اربلی، ۱۴۲۱، ۱: ۲۳۳-۲۳۲؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۵۱-۱۵۲). در میان تحقیقات معاصر که به این سریه توجهی داشته‌اند؛ می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: الصحيح من السیره النبویة الأعظم (ص) (مرتضی عاملی، ۱۴۲۶، ۲۰: ۱۵۹ به بعد)، سیره المصطفی (معروف حسنی، ۱۴۱۲، ۲: ۳۵۰-۳۵۱) و تاریخ پیامبر اسلام (آیتی). جعفریان ذات‌السلاسل را بر اساس روایات اهل سنت نوشته و مکان آن را معلوم نکرده است (سیره رسول خدا (ص)، ۶۱۸: ۱۳۸۳). دانشنامه جهان اسلام به معرفی کلی سریه ذات‌السلاسل می‌پردازد (صابر آداک، ناجی، ۱۳۹۳، ج ۱۸: مدخل ذات‌السلاسل). (Wensinck "Encyclopaedia of Islam, 2019", Amr b al-Ās" و کلباسی و قبادی در مقاله خود "بررسی و تحلیل نقش عمرو بن عاص در تاریخ اسلام"، فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۳۹۲) انتصاب عمرو توسط رسول الله (ص) را "نمودار قدرت مسلمانان و ضعف مشرکان" می‌دانند. با توجه به آنکه جایگاه این موضوع در مباحث سیره و مغازی و اینکه تاکنون پژوهش مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است؛ اهمیت و ضرورت تحقیق بیشتر دریافت می‌گردد. پژوهش کتابخانه‌ای حاضر از نوع مطالعه تاریخی، اسنادی، توصیفی و انتقادی است. هدف تحقیق تاریخی بازسازی گذشته در زمینه فرضیه‌ای است که در زمان حال تدوین می‌شود (حسن زاده، ۱۳۸۲: ۹۰). به دلیل مشخص بودن اسناد و منابع تحقیق از ارجاع آن در قسمت اسناد و طرق خبر خودداری شد. در این نوشتار مراد از «عمرو»، «عمرو بن عاص» و مراد از «سریه»، سریه ذات‌السلاسل است.

وجه تسمیه ذات‌السلاسل:

کلمه سلاسل از «سل» گرفته شده و به معنای تداوم چیزی در همراهی و پنهانی است. همچنین به آب جاری سلسل، سلسال سلاسل گفته می‌شود (ابن فارس، بی تا، ۳: ۵۹-۶۰؛ ابن منظور، ۱۱: ۳۴۳). درباره وجه تسمیه این سریه به ذات‌السلاسل (السلاسل)، در منابع اسلامی خلاف وجود دارد که

درواقع تعابیر متفاوتی است که ذیل یک تعریف قابل جمع می‌باشد. ابن حجر و حلبی معتقدند مکانی رملی است که مانند زنجیر به هم متصل می‌شود (ابن حجر، بی تا، ۷: ۱۵۲؛ حلبی، ۱۴۲۷، ۲: ۳۱۳). سیره نویسان و منابع تاریخی به درستی می‌نویسند نام آبی در سرزمین جُدَام و به قولی «عذره» است (ابن هشام، بی تا، ۴: ۱۰۴۰) که تا مدینه ۱۰ روز فاصله دارد (بلاذری، ۱۳۹۴، ۱: ۳۸۰؛ مسعودی، بی تا: ۲۳۱؛ ابن سیدالناس، ۱۴۰۶، ۴: ۱۷۱؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ۱: ۳۴۴؛ ابن حجر، بی تا، ۸: ۵۸). ابن حجر صف آرای و اتصال سلسله وار مشرکان به یکدیگر (حلبی، ۱۴۲۷، ۲: ۳۱۳؛ ابن حجر، ۱۴۱۵، ۸: ۵۸) و برخی منابع شیعی دست بسته بودن اسرا را دلیل نام‌گذاری سریه به این نام می‌دانند (قمی، ۱۴۰۴، ۲: ۴۳۸؛ عبدالرزاق، بی تا، ۵: ۴۵۳؛ حسینی، ۱۴۰۴، ۱۸: ۲۶۲؛ موسوی، ۱۳۷۴، ۲۰: ۵۹۳).

اختلاف در غزوه یا سریه بودن ذات‌السلاسل:

منابع سیره درباره سریه یا غزوه بودن ذات‌السلاسل اختلاف دارند و در سه گروه زیر قرار می‌گیرند:

- واقدی، عبدالرزاق، ابن هشام، ابن ابی شیبه، طبری و دیگران ذات‌السلاسل را در زمره غزوات آورده‌اند (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۶۹؛ عبدالرزاق، بی تا، ۵: ۴۵۲؛ ابن هشام، بی تا، ۴: ۱۰۴۰؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ۷: ۷۲۲؛ طبری، بی تا، ۲: ۳۱۵؛ ابن حجر، ۱۴۱۵، ۱: ۶۶۵؛ ۲: ۳۶۶؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ۱: ۳۴۴). دلیل طبری آن است که عمرو از جانب رسول الله (ص) مأموریت داشت (طبری، بی تا، ۲: ۳۱۵). به نوشته صالحی چون در این حادثه مشرکان باهم ارتباط داشته و ترسیدند که جنگ شود، غزوه نام گرفت (صالحی، ۱۴۱۴، ۶: ۱۷۲). نظر اخیر با توجه به عدم وضوح، ناکافی بودن ادله ارائه شده و عدم پذیرش آن توسط دیگران قابل تأمل است و مبنای تحلیل این بحث نخواهد بود.

- ابن اسحاق، ابن سعد، بلاذری، مسعودی و دیگران، ذات‌السلاسل را در زمره سرایا آورده‌اند (سجستانی، ۱۴۱۰، ۱: ۸۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۸، ۲: ۱۰۰؛ خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۴، ۱: ۵۱؛ بلاذری، ۱۳۹۴، ۱۰: ۲۷۸؛ مسعودی، بی تا: ۲۳۱؛ صالحی، ۱۴۱۴، ۶: ۱۷۵-۱۷۰؛ سمعانی، ۱۳۸۲، ۱: ۳۸۰).

- واقدی و طبری آن را در ذیل غزوات و سرایا هر دو قرار می‌دهند (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۶؛ طبری، بی تا، ۲: ۳۱۲). ابن کثیر در توجیه کاربرد دوگانه غزوه و سریه، اعلام عمرو از سوی

رسول‌الله (ص) را تحت عنوان غزوه و مأموریت ابوعبیده در یاری‌رساندن و پشتیبانی از عمرو را در قالب سریه آورده‌است (ابن‌کثیر، ۱۳۹۶، ۴: ۳۱۲).

جهت تبیین موضوع لازم است تا تعریف سریه و غزوه نزد سیره‌نویسان و منابع متقدم اسلامی ارائه شود. بر اساس نظر لغویان «سَریه» عبارت است از: «عده، دسته، هنگ، فوج و گروهان» و «أسری» به معنای شبانه سفر کردن یا شبانه به سفر فرستادن است (آذرنوش، ۱۳۸۸: ۲۸۶). ابن‌هشام درباره غزوه می‌نویسد: رخدادهای نظامی یا شبه‌نظامی است که رسول‌الله (ص) در آن حضور داشت؛ ولی سرایا و بعوث مأموریت‌هایی است که آن حضرت کسی را به نمایندگی از جانب خود روانه می‌کرد. با این حال در ذیل سرایا عبارت غزوه را در آغاز و پیش از نام کسانی آورده‌است (ابن‌هشام، بی‌تا، ۴: ۱۰۲۷). وی تفاوت بعث و سریه را در این می‌داند که اولی بیانگر حضور رسول‌الله (ص) در میدان نبرد یا مانند آن بوده و دومی مأموریت‌هایی را شامل می‌شود که آن حضرت به افراد واگذار می‌کرد (همان: ۸۸۳). طبرسی و ابن‌سید‌الناس برای غزوات عبارت «بنفسه» را به کار برده‌اند که مرجع ضمیر آن به رسول‌الله (ص) برمی‌گردد و برای سرایا تعبیر «بعثه» را آورده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۷، ۱: ۱۶۳؛ ابن‌سید‌الناس، ۱۴۰۶، ۱: ۲۹۴). بر این اساس صحیح آن است که ذات‌السلاسل در زمره سرایا قرار گیرد.

تاریخ‌گذاری سریه:

منابع همچنین درباره زمان سریه ذات‌السلاسل اختلاف نظر دارند که به ترتیب تاریخ در چند دسته قابل تفکیک است:

- پس از غزوه بنی قریظه (ذی‌قعدة-ذیحجه ۵ ه. ق): ابن‌هشام و ابن‌سعد بر این عقیده‌اند که عمرو پس از خندق یا غزوه احزاب به همراه برادرش هشام اسلام آورد (ابن‌هشام، بی‌تا، ۲: ۱۸۷-۱۹۰؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ۴: ۱۷۳). بر اساس تصریح شیخ مفید ذات‌السلاسل پس از غزوه بنی قریظه رخ داد (مفید، ۱۴۱۳، ۱: ۱۱۷-۱۱۳).
- قبل از غزوه بنی مُصَلَّق (شعبان ۵ ه. ق): از احتمالات دیگری که شیخ مفید برای این سریه آورده، مربوط به قبل از غزوه بنی مصطلق است (همان).

- پس از حدیبیه و در سال ۷ ه. ق (ذی قعدة ۶ه. ق): ابن هشام پس از حدیبیه و در حال ۷ ه می‌داند (ابن هشام، بی تا، ۲: ۳۸۷). ابن عساکر و ابن کثیر بدون ذکر حدیبیه آن را در حوادث سال ۷ هجری نقل می‌کنند (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۲: ۲۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸، ۳: ۵۱۶).
- قبل از موته: ابن اسحاق و ابن هشام آن را پیش از موته (نووی، ۱۴۰۷، ۱۵: ۱۵۳) و محمد بن مسلم شهاب زهری پیش از سریه اسامه بن زید می‌دانند (عبدالرزاق، بی تا، ۵: ۴۵۳).
- پس از موته و در جمادی الثانی سال ۸ ه. ق (جمادی الاولی ۸ه. ق): بیشتر منابع سیره و تاریخ زمان سریه را جمادی الثانی سال هشتم هجری می‌دانند (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۶؛ ابن سعد، ۱۴۱۸، ۲: ۱۳۱؛ طبری، بی تا، ۲: ۳۱۵؛ ابن حبان، ۱۳۹۳، ۲: ۳۴؛ حلبی، ۱۴۲۷، ۲: ۳۱۳؛ ابن سید الناس، ۴: ۱۷۱) و برخی بر وقوع سریه پس از سریه موته تأکید دارند (ابن هشام، بی تا، ۴: ۱۷؛ واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۶؛ ابن اثیر، بی تا، ۲: ۲۳۴؛ جعفریان، ۱۳۸۳: ۶۱۸).
- قبل از فتح مکه (سال ۸ ه): ابن هشام و دیگران بر وقوع سریه قبل از فتح مکه تصریح کردند (ابن هشام، بی تا، ۲: ۴۰۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۲: ۲۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸، ۳: ۵۱۶)؛ این در حالی است که مطابق برخی اخبار اسلام پذیری عمرو مربوط به این دوران است (ابن هشام، بی تا، ۲: ۴۰۱؛ واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۴۶۵ و ۷۴۱).
- همزمان با فتح مکه (رمضان ۸ه. ق): واقدی می‌نویسد عمرو و خالد قبل از فتح مکه اسلام آوردند و همراه با رسول الله (ص) از مدینه حرکت کردند. رسول الله (ص) عمرو را به سوی [؟] فرستاد که آن حضرت را از اخبار صلح مطلع کرد (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۷۱-۷۷۰). با توجه به آنکه مأموریت عمر به ذات السلاسل در همین سال و جهت دعوت قبایل و ایجاد الفت بین آنها و اسلام بوده است؛ از تعبیر واقدی چنین برداشت می‌شود که اعزام عمرو قبل از فتح مکه یا حداقل همزمان با آن بوده است. این در حالی است که عمرو قبل از اعزام به ذات السلاسل و همزمان با فتح مکه (ابن سعد، ۱۴۱۸، ۲: ۱۴۶) و به قولی پس از آن مأموریت یافت تا سواع، بت هذیل را ویران کند (رمضان ۸ ه) (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۸۷۰).

- پس از فتح مکه و قبل از هوازین و حنین (رمضان - شوال ۸هـ. ق): ابن هشام در یک روایت بر وقوع سربه قبل از حنین و هوازن تصریح نموده (ابن هشام، بی تا، ۲: ۶۲۶-۶۲۴) و واقدی در ذکر غزوه طایف از حضور عمرو در این غزوه یاد می‌کند (شوال ۸هـ) (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۷۳).
- سال ۸ هـ. ق: ابن سعد و طبری وقوع سربه را مربوط به سال ۸ هـ دانسته و درباره ماه آن اشاره‌ای نکردند؛ اما هر دو از فرماندهی عمرو در سربه خبر می‌دهند (ابن سعد، ۱۴۱۸، ۲: ۹۹؛ طبری، بی تا، ۲: ۳۲). دیگران اخبار حضور عمرو در حبشه و اسلام آوردن وی نزد نجاشی را مربوط به این زمان می‌دانند (ابن هشام، بی تا، ۲: ۲۷۶؛ واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۵۶۷-۵۶۶). برخی دیگر نیز از حضور عمرو و خالد در مدینه و اسلام آوردن نشان نزد رسول الله (ص) خبر می‌دهند (ابن هشام، بی تا، ۲: ۲۷۸؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ۳: ۱۱۸۵). واقدی از اسلام آوردن عمرو در صفر سال ۸ هـ و قبل از فتح مکه خبر می‌دهد (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۴۵-۷۴۱). مطابق این امر نمی‌توان پذیرفت که اسلام آوردن عمرو و اعزام وی به ذات السلاسل در یک زمان باشد.
- محرم سال ۹ هـ. ق: براساس این دسته رسول الله (ص) در محرم سال ۹ هـ عمرو را به نجد فرستاد و او را مأمور جمع‌آوری زکات بنی فزاره و غطفان نمود (ابن هشام، بی تا، ۲: ۶۲۳؛ واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۴۱ و ۷۷۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۸، ۲: ۱۳۱).
- پس از غزوه تبوک (رجب و شعبان ۹هـ ق): شیخ مفید می‌نویسد سربه پس از تبوک رخ داد (مفید، ۱۴۱۳، ۱: ۱۱۳-۱۱۷) و واقدی از حضور عمرو در غزوه تبوک خبر می‌دهد (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۷۷).
- فصل سرد سال: یعقوبی و مقریزی بدون ذکر تاریخ سربه از هم‌زمانی آن با فصل سرد می‌نویسند (یعقوبی، بی تا، ۲: ۷۵). قریب‌به‌یقین می‌توان گفت زمان وقوع سربه ذات السلاسل در جمادی‌الثانی سال ۸ هـ و پیش از فتح مکه صورت گرفته‌است. به دلایل زیر:
- اسلام آوردن عمرو در صفر سال ۸ هجری بوده که مقارن با فصل گرم (خرداد) است و اعزام ایشان به ذات السلاسل چند ماه بعد در جمادی‌الاولی یا جمادی‌الثانی انجام گرفت (ابن هشام،

بی‌تا، ۲: ۱۸۹-۱۹۰؛ واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۴۵-۷۴۱؛ بلاذری، ۱۳۹۴، ۱: ۳۸۰). (ذی‌قعدة سال ۶هـ مطابق فروردین سال ۷هـ ش و ۶۲۸ میلادی؛ جمادی‌الاولی سال ۸هـ مطابق شهریور سال ۵۸هـ ش و ۶۲۹ میلادی؛ جمادی‌الثانی سال ۸هـ مطابق مهر همان سال و رمضان سال ۸هـ مطابق دی‌ماه سال ۵۸هـ ش و ۶۳۰ میلادی بوده است).

- جزئیات اخبار مربوط به سریه ذات السلاسل و وضعیت مسلمانان بیانگر آن است که سریه همزمان با ایام سرد سال بوده است.
- پس از اسلام آوردن عمرو، پیامبر به وی مأموریت داد به عمان برود و فاصله عمان تا ذات السلاسل طولانی و تقریباً هزار کیلومتری بوده است.
- علاوه بر این پیامبر (ص) پس از فتح مکه بلافاصله به مدینه بازگشت و بخشی از این قضایا مربوط به حضور آن حضرت در مکه و غزوات حنین و طایف مربوط می‌شد که دو ماه و ۱۶ روز به طول انجامید.

دو احتمال دیگر هم درباره زمان سریه مطرح است. یک احتمال اینکه سریه بلافاصله پس از فتح مکه انجام گرفته است. با توجه به زمان اعزام عمرو به عمان (ذی‌قعدة ۸هـ) قاعدتاً باید این سریه تا این زمان پایان یافته باشد که با پذیرش آن نقش عمرو در ذات السلاسل منتفی می‌شود. احتمال دیگر اینکه مطابق با خبر بخاری، عمرو پس از مأموریت عمان به مدینه بازگشت (ابن حجر، ۱۴۱۵، ۱: ۴۵۳) یا اینکه براساس گزارش ابن هشام و واقدی، رسول‌الله (ص) او را از نجد (مأموریت فزاره) به شمال شبه‌جزیره اعزام کرد (ابن هشام، بی‌تا، ۲: ۶۲۳؛ واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۴۱ و ۷۷۷). در این صورت زمان سریه به سال ۹هـ ق بوده که از جهت با برخی روایات ابن هشام، واقدی، مفید تناسب دارد؛ اما نکته مهم اینکه پذیرش اینکه عمرو در یک‌زمان در دو جا مثلاً حبشه و ذات السلاسل یا مکه و ذات السلاسل یا شمال شبه‌جزیره و عمان حضور داشته؛ محال است. مطابق با این امر دو احتمال اخیر درباره زمان وقوع سریه صحیح به نظر نمی‌رسد.

بر این اساس تاریخ‌گذاری سربیه به ترتیب زیر عبارت است از: عمرو در صفر سال ۸ هجری مسلمان شد و در فتح مکه و غزوه طایف حضور داشت و از طرف رسول الله (ص) مأمور ویرانی بت سواع گردید. او در جمادی الثانی سال ۸ ه عازم ذات السلاسل گردید (جمادی الثانی ۸ ه) اما نتوانست کاری بکند و رسول الله (ص) درباره سرانجام سربیه تدابیری اندیشید. پس از آن رسول الله (ص) در ذی‌قعدة همین سال عمرو را همراه نامه‌ای برای دعوت به اسلام (ابن سعد، ۱۴۱۸، ۱: ۲۶۲؛ یعقوبی، بی‌تا، ۲: ۷۸؛ احمدی، ۱۴۱۹، ۱: ۱۵۱-۱۴۹)؛ نزد عیاد و جعفر ازدی فرستاد که هر دو حاکم عمان بودند (ابن هشام، بی‌تا، ۲: ۶۰۷). عمرو تا رحلت آن حضرت در عمان بود و مسئولیت جمع‌آوری صدقات و جزیه را بر عهده داشت (ابن اثیر، بی‌تا، ۲: ۲۳۲).

مسائید و طرق نقل اخبار سربیه: طرق نقل سربیه و اخبار آن نیز دارای خلاف است.

۱- مسائید و مشایخ سربیه ذات‌السلاسل از سه طریق اصلی نقل شده است:

۱-۱- صحابه به ترتیب شامل عایشه (م ۵۸ ه)، ابوذر (م ۳۱ یا ۳۲ ه)، عبدالله ابن عباس (م ۶۸ ه)، عمرو بن عاص (م ۴۳ ه) و یزید بن رومان (م ۱۳۰ ه) (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۶۹).

۲-۱- تابعان شامل عبدالله بن ابی‌بکر (م ۳۸ ه) و محمد بن عبدالرحمن تمیمی (م ۸۵ ه)، عروه بن زبیر (م ۹۴ ه) (بخاری، ۱۴۰۱، ۵: ۱۱۲)، محمد بن مسلم شهاب زهری (م ۱۲۴ ه)، ابن سیرین (م ۱۱۰ ه) و حزم انصاری (م ۱۳۵ ه) (عبدالرزاق، بی‌تا، ۱۱: ۲۲۹).

۳-۱- اهل بیت (ع)؛ مهم‌ترین اخبار در این زمینه از امام علی (ع) (شهادت ۴۰ ه)، امام سجاد (ع) (شهادت ۹۴ ه)، امام صادق (ع) (شهادت ۱۴۸ ه) و امام رضا (ع) (شهادت ۲۰۳ ه) نقل شده است. بیشترین اخباری که از این طریق نقل شده به جایگاه علی (ع) و فضایل آن حضرت مربوط می‌شود که در منابع شیعه مانند تفسیر قمی (م ۳۰۷ ه)، تفسیر فرات کوفی (زنده ۳۰۷ ه) و مجمع‌البیان طبرسی (م ۵۴۸ ه) آمده است. توجه مفسران به اخبار ذات‌السلاسل بیانگر آن است که این گروه بهترین شیوه‌ای که برای مقابله با ادعاهای نویسندگان سنی و دفاع از اهل بیت (ع) در پیش گرفتند؛ استفاده از سیره و مغازی در ذیل تفسیر آیات قرآنی بوده است. در نتیجه سربیه ذات‌السلاسل به عنوان ابزاری برای توجیه اختلاف برخی صحابه با اهل بیت (ع) در مسئله جانشینی بوده است. به عنوان نمونه قمی در ذیل تفسیر سوره عادیات، به نقل از ابن عباس و ابوذر غفاری به نقش امام علی (ع)

در پیروزی مسلمانان تصریح می‌کند (قمی، ۲: ۱۴۰۴: ۴۳۸). در منابع اسلامی ابن‌اسحاق و واقدی از صحابه؛ ابن‌اسحاق، بیهقی (م ۴۵۸ ه) و طبری (م ۳۱۰ ه) از تابعان و منابع شیعی از پیشوایان معصوم (ع) و منابع سیره روایت کرده‌اند.

۲- اخبار سریه ذات‌السلاسل متعدد و در منابع به گونه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته و به تفکیک موضوعی عبارتند از:

۲-۱- بیشترین گزارش‌ها به زمینه‌های شکل‌گیری سریه و سیر تاریخی آن می‌پردازد. این دسته دچار تعارض‌ها و پیچیدگی‌های جدی بوده و به ترتیب در منابع زیر آمده‌است. عبدالرزاق (م ۲۱۱ ه)، ابن‌اثیر (م ۶۳۰ ه)، ابن‌سید‌الناس (م ۷۳۴ ه)، ابن‌کثیر (م ۷۷۴ ه) و صالحی (م ۹۴۲ ه). این منابع عموماً اخبار ذات‌السلاسل را به ترتیب نقل از ابن‌اسحاق (م ۱۵۱ ه)، موسی‌بن‌عقبه (م ۱۴۱ ه)، معمر بن راشد ازدی (م ۱۵۳ ه)، واقدی (م ۲۰۷ ه) و ابن‌سعد (م ۲۳۰ ه) آورده‌اند.

۲-۲- بخش دیگری از اخبار ذات‌السلاسل به فضایل چند تن از صحابه (ابوبکر، عمر، ابوعبیده و عمرو بن عاص) و آینده جامعه اسلامی و خلافت پرداخته و بیش از همه مورد توجه منابع سنی قرار گرفته است (برای نمونه ابن‌هشام، بی‌تا، ۲: ۱۰۸؛ مسلم، بی‌تا، ۷: ۱۰۹؛ طبری، بی‌تا، ۳: ۳۲). مهم‌ترین منابع در این زمینه دو کتاب الصحیح و تاریخ بخاری (م ۲۵۶ ه) است که اخبار سریه را به ترتیب از معلی‌بن‌اسد، خالد‌الحذاء (م ۱۲۴ ه) و ابوبکر واسطی نقل می‌کند (بخاری، بی‌تا، ۶: ۲۴؛ همو، ۱۴۰۱، ۴: ۱۹۳). پس از او مسند مسلم نیشابوری (م ۲۶۱ ه)، نسائی (م ۳۰۳ ه) و بیهقی (م ۴۵۸ ه) قرار دارند (بخاری، ۱۴۰۱، ۴: ۱۹۳؛ نسائی، ۱۴۱۱، ۵: ۳۹؛ بیهقی، بی‌تا، ۷: ۲۹۹).

۲-۳- بخش عمده اخبار سریه مربوط به حوادث مختلف است که منابع متقدم حدیثی و فقهی اهل سنت و برخی از منابع سیره و مغازی به آن توجه کرده‌اند (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۷۳؛ یعقوبی، بی‌تا، ۲: ۷۵). از این نمونه می‌توان به استنباط‌های فقهی ابوداود، دارقطنی، واقدی و احمد بن حنبل اشاره کرد که با واسطه یا بی‌واسطه از عمرو بن عاص یا صحیفه وی که به روایت از عبدالله بن عمرو بن عاص است؛ نقل کرده‌اند (سجستانی، ۱۴۱۰، ۱: ۸۴-۸۵؛ ابن‌حنبل، بی‌تا، ۴: ۲۰۳؛ بخاری، بی‌تا، ۶: ۲۴؛ بیهقی، بی‌تا، ۷: ۲۲۵-۲۲۶).

دلایل وقوع سریه: پس از فتح مکه، قبایل مشرک شمال جزیره العرب با همدستی رومیان در تدارک حمله به مدینه و جنگ با رسول‌الله (ص) بودند؛ اما تدابیر رسول‌الله (ص) توطئه‌های احتمالی را خنثی کرد. منابع این تدابیر را این‌گونه بیان کرده‌اند:

۱- تقویت نیروی انسانی مسلمانان برای مقابله با شامیان: برخی متون در تعابیر مختلف آورده‌اند رسول‌الله (ص) عمرو را فرستاد تا از همکاری قبایل عرب مستقر در ذات‌السلاسل استفاده کند (ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ۲: ۱۰۰؛ ابن‌هشام، بی‌تا، ۴: ۱۰۴۰؛ یعقوبی، بی‌تا، ۲: ۷۵). طبری به نقل از ابن‌اسحاق می‌نویسد: «یستنفر الناس الی الشام... یستألفهم» (طبری، بی‌تا، ۲: ۳۱۵). ابن‌هشام عبارت «یستنفر العرب الی الشام» را به‌کاربرده است (ابن‌هشام، بی‌تا، ۴: ۱۰۴۰) و اگرچه از ابن‌اسحاق نقل کرده اما با آن متفاوت است. از سویی بخش نخست آن یعنی «یستنفر العرب الی الشام» همانند روایت ابن‌کثیر از ابن‌اسحاق است (ابن‌کثیر، ۱۴۰۵، ۵: ۲۳۸) و از سوی دیگر بخش دوم آن یعنی اعزام عمرو همانند روایت طبری از ابن‌اسحاق است با یک تفاوت مهم و آن اضافه شدن ضمیر «لِذَلِك» به آخر «یستألفهم» که در واقع به قسمت اول بازمی‌گردد و مفهوم آن به این صورت است: گردآوری نیرو به قصد شام (ابن‌هشام، بی‌تا، ۴: ۱۰۴۰).

۲- ایجاد زمینه همدلی بین اعراب و مسلمانان: بخشی از اخبار، مأموریت عمرو را برای جلب کمک و ایجاد همدلی بین اعراب شمالی با مسلمانان می‌دانند (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۷۰؛ ابن‌هشام، بی‌تا، ۴: ۲۷۲؛ طبری، بی‌تا، ۲: ۳۱۵؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۳، ۲: ۲۴). ابن‌کثیر به نقل از ابن‌اسحاق و او از طریق محمد بن عبدالرحمن تمیمی می‌نویسد عمرو اعزام شد تا اعراب را جمع کند و از عبارت: «یستنفر العرب الی الاسلام» (ابن‌کثیر، ۱۴۰۸، ۴: ۴۳۵؛ ۳: ۳۱۲) یا «یستنفرهم لیكون أنجع فیهم» استفاده می‌کند (همان، ۵: ۲۳۸).

۳- رویارویی با ائتلاف اعراب و رومیان: دو مسئله پیش‌گفته در واقع برای دفع خطر و اعلان موضع اسلام در مقابل کفار بود. مطابق خبر مسعودی اعراب ذات‌السلاسل مسلمان نبودند و با اتحاد با رومیان (مسعودی، بی‌تا: ۲۳۱) قصد حمله به مدینه داشتند (ابن‌کثیر، ۱۳۹۶، ۴: ۳۱۱). ابن‌سعد و دیگران می‌نویسند قبایل متحد شمالی شبه‌جزیره قصد حمله به مدینه را داشتند (ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ۲: ۹۹-۱۰۰؛ ابن‌سیدالناس، ۱۴۰۶، ۴: ۱۷۱؛ صالحی، ۱۴۱۴، ۶: ۱۶۷). از گزارش طبری دریافت

می‌گردد تصمیم اعراب برای اتحاد با رومیان پس از حضور عمرو در ذات‌السلاسل انجام گرفت (طبری، بی‌تا، ۲: ۳۱۵). این مناطق علاوه بر اهمیت تجاری، نظامی سیاسی و دینی به جهت موقعیت ژئوپلتیکی آن، اهمیت بسیاری داشتند و محل اختلاف دو امپراتور ایران و روم بودند. به همین جهت در اوایل اسلام پایگاه‌های منسجم نظامی در آن برپا گردید (حسین طلایی، ۱۳۹۶: ۱۱۶-۸۹). مناسبات نه چندان مسالمت‌جویان ساسانیان و روم شرقی برای توسعه خطوط مرزی تجاری و نظامی و منازعه بر سر خشکی - که تا قلمرو غسان ادامه می‌یافت؛ نقش مهمی در توجه اعراب به سرزمین‌های مرزی داشت (یگانه و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۶۴-۳۸۳). این مهم بالتبع در مناسبات قبایل عرب و امپراطوری روم اثر داشت؛ چرا که اعراب شمالی عامل رومیان در حفاظت از پایانه‌های نظامی - تجاری به‌شمار می‌آمدند. از طرفی با توجه به پیشینه اعتقادی اعراب و پیوند دینی که بین برخی از قبایل و مسیحیان برقرار بود؛ اتحاد با رومیان امری ناگزیر به‌شمار می‌رفت. این ارتباطات پس از غلبه اعراب مسلمان بر مرزهای شام نیز ادامه یافت. تا جایی که برخی از نویسندگان غربی معتقدند باورهای یکتاپرستی اعراب تحت‌تأثیر سنت‌های یهودی و مسیحی بوده‌است (شفیعی، ۱۳۹۳: ۱۱۳-۱۴۰).

درباره نام قبایل عرب که در برابر اسلام و رسول‌الله (ص) ائتلاف کردند؛ اختلاف است. به نوشته واقدی قبایل قُضاعه، بلی و اعراب یمنی ساکن مرزهای شام برای حمله به مدینه تجمع کردند (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۷۰). عبدالرزاق می‌نویسد اعراب کافری بودند که در مرزهای شام سکونت داشتند (عبدالرزاق، بی‌تا، ۵: ۴۵۲). در دیگر منابع نام آنها چنین آمده‌است: کلب، تلقین، غسان (همان، بلی، عبدالله، قُضاعه (بلاذری، ۱۳۹۴، ۱: ۳۸۱-۳۸۰)، لخم و جُذام (بخاری، ۱۴۰۱، ۵: ۱۱۲). لخم، جذام، بهراء، بلی، بهینه، غطفان و عذره همه از قُضاعه قبیله بزرگ بودند و بنو تغلب، ثعلب، کلب، کرم و تنوع در همسایگی آنها قرار داشتند. ابن‌هشام ضمن تصریح بر اتحادیه اعراب شمالی، تعداد آنها را ۱۰۰ هزار نفر آورده‌است (ابن‌هشام، بی‌تا، ۲: ۶۲۳-۶۲۴). پیش از این حاکم بصری، شرحبیل بن عمرو غسانی، فرستاده رسول‌الله (ص)، حارث بن عمیر ازدی را رد کرده و در مونه فشار زیادی را بر مسلمانان وارد آورده بود (۷ هـ) (واقدی، ۱۴۰۹، ۱: ۶). از این رو رسول‌الله (ص) به سرعت وارد عمل شده، نیروهای نظامی مسلمانان را بسیج و به ذات‌السلاسل فرستاد.

بیشتر منابع سیره معتقدند عمرو با اعراب جنگید (ابن سعد، ۱۴۱۰، ۲: ۱۰۰؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ۸: ۴۶۲؛ بلاذری، ۱۳۹۴، ۱۰: ۲۷۸)؛ اما براساس روایت موسی بن عقبه، او از اعراب ترسید و از رسول الله (ص) درخواست کمک کرد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ۳: ۱۱۸۶-۱۱۸۷؛ ابن حجر، ۱۴۱۵، ۳: ۷۷۴). طبری بیان علت سریه تغافل کرده و به این بسنده نموده که رسول الله (ص) عمرو را به مشارف شام فرستاد (طبری، بی تا، ۲: ۳۱۵). نتیجه آنکه ائتلاف مشرکان و رومیان خطری جدی برای مسلمانان و مدینه به شمار می آمد و رسول الله (ص) به شدت و سرعت با آن برخورد کرد.

مراحل اعزام نیرو و مسئولیت عمرو: بیشترین تعارض اخبار درباره شمار و چگونگی اعزام نیرو و زمان آن است.

۱- مراحل اعزام نیرو: منابع تاریخی بر این عقیده اند که رسول الله (ص)، عمرو بن عاص را در رأس گروهی به ذات السلاسل فرستاد (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۷۱-۷۷۰). به نوشته عبدالرزاق، ابو عبیده به فرماندهی کل سپاه تعیین شد ولی عمرو او را طرد کرد (عبدالرزاق، بی تا، ۵: ۴۵۲). منابع با گرایش های شیعی غیر این را هم آورده و بر نقش و جایگاه علی (ع) در این سریه و عنایت ویژه رسول الله (ص) بر شایستگی ایشان تأکید دارند (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۹۲-۵۹۱). گزارش های این منابع در سه دسته زیر قابل تفکیک است که در ادامه بحث و ارزیابی می شود:

۱-۱- تک مرحله ای بودن اعزام تحت فرماندهی عمرو: برخی می نویسند رسول الله (ص) عمرو (عبدالرزاق، بی تا، ۱۱: ۲۲۹) را با ۵۰۰ نفر سپاهی (ابن کثیر، ۱۳۹۶، ۴: ۳۱۲) که شامل مهاجران، انصار و اعراب می شدند؛ فرستاد و ابوبکر (طبرانی، بی تا، ۵: ۲۲؛ هیشمی، ۱۴۰۸، ۹: ۳۵۲) و عمر و ابو عبیده در میان آن ها بودند (بلاذری، ۱۳۹۴، ۱: ۳۸۱-۳۸۰). واقدی و بلاذری (م ۲۷۹ ه) این خبر را از سه طریق نقل کردند (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۷۰؛ بلاذری، ۱۳۹۴، ۱۰: ۲۷۸).

۱-۲- تک مرحله ای بودن اعزام تحت فرماندهی عمرو و ابو عبیده: ابن سیدالناس ضمن پذیرش تک مرحله ای بودن اعزام نیرو مطلبی مهم را نقل می کند. بر پایه این خبر رسول الله (ص) ابو عبیده را به فرماندهی مهاجران و عمرو را به فرماندهی اعراب منصوب کرد (ابن حنبل، بی تا، ۱: ۱۹۷). عبدالرزاق بر اساس روایت زهری آورده رسول الله (ص) مسلمانان را در دو گروه به فرماندهی ابو عبیده جراح (م ۱۸ ه) و عمرو به مشارف شام فرستاد و ابوبکر و عمر را تحت فرمان ابو عبیده

قرارداد و به آن دو سفارش کرد تا از نافرمانی یکدیگر بپرهیزند. مطابق نظر این منابع اعزام نیروها در یک‌زمان و تحت فرماندهی دو نفر صورت گرفت که هیچ‌یک بر دیگری برتری نداشتند. به‌استناد نوشته عبدالرزاق عمرو به ابوعبیده گفت تو مرا اطاعت کن. ابوعبیده هم پذیرفت؛ اما داستان در اینجا خاتمه نیافت و ادعای عمرو سبب نکوهش و اعتراض برخی از صحابه واقع شد. عمر بن خطاب می‌گفت وقتی ابوبکر است چرا باید از عمرو اطاعت کرد؛ اما ابوعبیده آنها را از مشاجره و اختلاف بر حذر داشت (عبدالرزاق، بی‌تا، ۵: ۴۵۳-۴۵۲). با این حال سربیزی آنها از دستورات عمرو ادامه یافت (ابن‌حنبل، بی‌تا، ۱: ۱۹۶).

۱-۳- دومرحله‌ای بودن اعزام تحت فرماندهی عمرو: شماری از نویسندگان بر این باورند که رسول‌الله (ص) ۳۰۰ سوار (طبری، بی‌تا، ۲: ۳۱۵) را با ۳۰۰ اسب (ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ۲: ۱۰۰) همراه عمرو فرستاد (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲، ۳: ۱۱۸۶-۱۱۸۷؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ۱: ۳۴۴)؛ اما او در نخستین درگیری عقب نشست و بی‌درنگ از رسول‌الله (ص) درخواست نیرو کرد (ابن‌اثیر، بی‌تا، ۲: ۲۳۲). مطابق نظر این گروه شمار کم نیروهای همراه عمرو، علت اصلی ناتوانی او در برابر کفار بود؛ اما قرائن و شواهدی که در ادامه آمده، این نظر را رد می‌کند. به نوشته ابن‌هشام و ابن‌کثیر علت اصلی درخواست کمک عمرو ترس عمرو از کفار (ابن‌هشام، بی‌تا، ۴: ۱۰۴۰) و اتحادیه آنها علیه اسلام بود (ابن‌کثیر، ۱۳۹۶، ۴: ۳۱۱) در روایت موسی بن عقبه آمده، عمرو درحالی که ترسیده بود درخواست نیرو کرد (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ۳: ۴۷۷). مسعودی دلیل ترس وی را هم‌پیمانی رومیان و اعراب می‌داند (مسعودی، بی‌تا: ۲۳۱). واقدی بر این باور است که سختی معیشت، سردی هوا و اختلاف میان عمرو و مهاجران سبب شد تا عمرو کسی را به نزد رسول‌الله (ص) بفرستد (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۷۰). می‌توان پذیرفت که سردی آب‌وهوا به توان رزمی و نظامی مسلمانان آسیب رسانده بود؛ اما با توجه به ترکیب نیروهایی که به عمرو پیوستند؛ معلوم می‌گردد اختلاف داخلی در جبهه مسلمانان علت ناتوانی و سستی آنها در برابر دشمن بوده‌است. شاید به همین جهت رسول‌الله (ص) فرمان جهاد داد (ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ۲: ۱۰۰؛ طبری، بی‌تا، ۲: ۳۱۵).

اخبار مرتبط با شمار نیروها، از طریق موسی بن عقبه روایت و توسط ابن‌یونس و واقدی نقل شده است (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ۳: ۴۷۷-۴۷۸). مطابق این امر رسول‌الله (ص) گروهی اعم از مهاجران و انصار (ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ۵: ۵۶۲) که تعدادشان ۲۰۰ نفر می‌شد؛ عازم ذات‌السلasil کرد (ابن‌عبدالبر،

۱۴۱۲، ۳: ۱۱۸۶-۱۱۸۷). ابن هشام، ابن سعد و ابن عبدالبر بدون ذکر تعداد می‌نویسند رسول‌الله (ص)، ابو عبیده را به همراه مهاجران نخستین که ابوبکر و عمر هم در بین آن‌ها بودند، فرستاد (ابن هشام، بی‌تا، ۲: ۶۲۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۸، ۲: ۱۲۹-۱۰۰؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ۳: ۱۱۸۶-۱۱۸۷). به نوشته ابن‌اثیر عمرو و ابو عبیده در دو مرحله اعزام شدند (ابن حجر، ۱۴۱۵، ۳: ۴۷۷). تا بدین جا معلوم گردید؛ اخبار درباره اعزام نیرو دچار تعارض و اختلاف نظر بوده و مطابق این منابع نمی‌توان روایت مشخصی از این مرحله ارائه داد.

۲- مسئولیت عمرو و علت انتخاب وی: چنانکه آمد پیامبر (ص) مأموریت‌های بسیاری را به افراد واگذار می‌کردند که با عنوان سریه، بعث یا غزوه نام‌گرفته و ذات‌السلاسل یکی از این نمونه‌ها است. یکی از این افراد عمرو بن عاص است که در سال هشتم هجری اسلام آورد (بلاذری، ۱۳۹۴، ۱: ۳۸۰) و در همین سال به ذات‌السلاسل اعزام گردید (ابن راهویه، ۱۴۱۲، ۲: ۱۵). ابن هشام و واقدی مأموریت عمرو را تحت عنوان غزوه آورده و نزد آنها «بعث» همان فرستادن است (ابن هشام، بی‌تا، ۴: ۱۰۴۰؛ واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۷۱-۷۷۰)؛ اما طبری آن را هم در قالب بعث و هم غزوه بیان می‌کند (طبری، بی‌تا، ۲: ۳۱۵). یکی از دلایلی که منابع اعزام عمرو به سرزمین بنی‌عذره را با عنوان غزوه یا سریه هر دو آوردند، این است که در برخی متون تاریخی اصطلاح غزوه به برخی از جنگ‌ها که رسول‌الله (ص) در آن حضور نداشتند؛ اطلاق می‌شد. مثلاً واقدی از سریه ابن ابی العوجاء علوی کعب بن عمیر غفاری، زید بن حارثه به مته و عمرو بن عاص به ذات‌السلاسل با تعبیر "غزوه" نام برده‌است (واقدی، ۱۴۰۹، ۱: ۶). به نظر می‌رسد عمرو علاوه بر مأموریت که برای دعوت قبایل بر عهده داشت و نزد سیره نویسان بعث خوانده می‌شود، به‌خاطر قرار گرفتن در مقام فرماندهی گروهی از مسلمانان مورد توجه قرار گرفته و ابن هشام و ابن اسحاق آن را در ذیل سرایا قرار دادند (ابن هشام، بی‌تا، ۴: ۱۰۴). می‌توان گفت اعزام عمرو با بعث هم‌خوانی دارد و مأموریت وی چنانکه از همین اخبار استنباط می‌شود شبیه طلایه‌دار، مقدمه، استحضار و استخبار و برای استمداد بوده‌است (ابن هشام، بی‌تا، ۲: ۳۹۸-۴۰۱). بر این اساس مأموریت وی در راستای تدابیر رسول‌الله (ص) برای اعتلا و نشر اسلام و دفع خطر دشمن قرار می‌گیرد. از همین رو سریه ذات‌السلاسل

پس از اعزام نیرو از مدینه رخ داده است (همان، ۴: ۱۰۴۰؛ طبری، بی تا، ۲: ۳۱۵). منابع دلایل متعددی را برای انتخاب عمرو برشمردند که عبارتند از:

۱-۲- نسبت خویشاوندی با اعراب شمالی: منابع با اختلاف نظر خویشاوندی عمرو با اعراب شمالی شبه جزیره را علت انتخاب وی از سوی رسول الله (ص) می دانند. به نوشته طبری، رسول الله (ص) به واسطه خویشاوندی عمرو با این قبایل، او را منصوب کرد (ابن هشام، بی تا، ۴: ۲۷۲؛ طبری، بی تا، ۲: ۳۱۵). برخی مادر عمرو یا به قولی عاص (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۷۰) را از قبیله بلی می دانند (ابن هشام، بی تا، ۴: ۱۰۴۰؛ به نقل از ابن اسحاق؛ طبری، بی تا، ۲: ۳۱۵)؛ در حالی که دیگران مادر عمرو را از قبیله قُضاعه (طبری، بی تا، ۲: ۳۱۵)، عذره (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ۳: ۱۱۸۶-۱۱۸۷)، لخم یا جُدَام دانسته اند. ظاهراً عروه بن زبیر این اختلاف را حل کرده و همه این قبایل را از بطون قضاعه می داند (ابن حجر، ۱۴۱۵، ۳: ۵۸). ابن سعد هم چنین نظری دارد (ابن سعد، ۱۴۱۸، ۲: ۱۳۱) که البته صحیح به نظر می رسد. ابن کثیر مدعی است عمرو نزد این قبایل اعتبار و منزلت داشت (ابن کثیر، ۱۴۰۸، ۴: ۴۳۵). با عنایت به مسائل پیش گفته بیشتر معلوم می گردد احتمال پذیرش این مسئله به عنوان علت انتخاب عمرو ضعیف است.

۲-۲- جنگاوری، نیرومندی و تجربه: عمرو از جنگاوران قریش در جاهلیت بود (ابن ابی الحدید، بی تا، ۶: ۳۲۱) و در هوش و ذکاوت شهرت داشت (ابن حبان، ۱۳۹۳، ۲: ۲۶۵). به نوشته واقدی عمرو پیش از این در مسیر شام و مکه رفت و آمد می کرد (واقدی، ۱۴۰۹، ۱: ۲۹). لذا رسول الله (ص) از تجارب و توانمندی عمرو بهره برد. دلایلی که گفته شد؛ در انتخاب عمرو بی تأثیر نبوده است؛ اما مطابق آنچه آمد؛ دلیل اصلی انتخاب عمرو و همراه کردن برخی از صحابه با او افزایش کارایی مسلمانان بوده است. جالب آنکه رسول الله (ص) افرادی را با عمرو فرستاد که مشهورتر و با سابقه تر از او بودند (بحرانی، ۱۴۱۶، ۵: ۸۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۰: ۱۲۴). دیلمی (زنده در قرن ۶ ه) می نویسد وقتی خیر اجتماع مشرکان ذات السلاسل به رسول الله (ص) رسید، ابوبکر را با ۷۰۰ و به قولی ده هزار نفر عازم ذات السلاسل کرد. بار دیگر عمر بن خطاب را فرستاد که به دلیل اختلاف با عمرو عاص بازگشت و در نهایت لوا را برای عمرو بست (دیلمی، ۱۳۷۶، ۲: ۸۱. نک: فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۹۱-۵۹۲). مأموریت عمرو گردآوری نیرو در بین قبایلی بود که با وی نسبت خویشاوندی داشتند. با ارزیابی گزارش ابن اسحاق به دست می آید که وقتی عمرو به سرزمین بنی

عذره رسید از آن‌ها یعنی ساکنان ذات‌السلاسل ترسید (خافهم) و از رسول‌الله (ص) در خواست نیرو کرد. به نظر می‌رسد عمرو سازوبرگ نظامی نداشت و مأمور برخورد نظامی با ساکنان بنی عذره نبود؛ اما وقتی معلوم شد اعراب برای جنگ و حمله به مدینه اجتماع کرده‌اند، رسول‌الله (ص) فراخوان جهاد داد (ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ۲: ۱۳۱). با این حال منابع سنی بر مأموریت نظامی عمرو پافشاری می‌کنند.

لوا و پرچم: یکی دیگر از موضوعات مورد توجه متون اسلامی بحث درباره پرچم و لوا در این سریه است (ابن‌شبهه، بی‌تا، ۱: ۳۰۱). دقت در این باره از آن جهت اهمیت دارد که به‌وسیله آن برخی از تعارض‌های موجود در سریه ذات‌السلاسل برطرف می‌شود. سیره رسول‌الله (ص) چنان بود که به‌هنگام غزوات، به مسجد می‌رفت و با ذکر نام کسانی و دادن پرچم به آن‌ها، مسئولیت هر یک را آشکار و همگان را موظف به اطاعت و پیروی از آن‌ها می‌کرد (مقریزی، ۱۴۲۰، ۷: ۱۶۳). درباره لوا و رایث در این سریه سه دسته خبر وجود دارد: برخی بر این عقیده‌اند که رسول‌الله (ص) لوا سفید را برای عمرو بست (ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ۲: ۱۰۰؛ ابن‌ابی‌شبهه، ۱۴۰۹، ۷: ۷۲۲) و رایث سیاه را همراه او کرد (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ۲: ۲۲). یعقوبی (م ۲۸۴ یا ۲۹۲ هـ) معتقد است آن حضرت لوای سفید را برای عمرو و لوای سیاه را برای دیگران بست (یعقوبی، بی‌تا، ۲: ۷۵). بلاذری هم می‌نویسد رسول‌الله (ص) پرچم سیاه را برای عمرو بست (بلاذری، ۱۳۹۴، ۱: ۳۸۰-۳۸۱). چنین به نظر می‌رسد که این دو، تعبیر متفاوت از یک مفهوم است و گاهی به‌جای یکدیگر به کار می‌رفته‌است. این در حالی است که در نگاه لغویان متقدم و محققان معاصر اول و رایث نه تنها دو تعبیر متفاوت که دارای مفهوم و تعریف مستقل هستند. ابن‌منظور می‌نویسد رایث نشانه‌ای است که بر گردن می‌آویزند (ابن‌منظور، ۱۴: ۳۵۲) اما لواء یا علم نشانه جایگاه رئیس یا فرمانده است. کسی که لواء دارد دشمن را می‌ترساند یا از وجود خودش آگاه می‌کند (همان، ۱۵: ۲۶۶). از سویی توجه مورخ تیزیبی چون یعقوبی؛ نشان می‌دهد که عمرو فرماندهی بخشی از سپاه را در مقطعی خاص بر عهده داشته (یعقوبی، بی‌تا، ۲: ۷۵) و رسول‌الله (ص) لوا را به کس دیگری سپرد (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۹۱-۵۹۳؛ مفید، ۱۴۱۳، ۱: ۸۷؛ راوندی، ۱۴۰۷: ۱۷۲-۱۷۳).

سرانجام سریه بر پایه گزارش منابع عامه: هرچه به پایان سریه می‌رسیم تعارض اخبار

بین منابع فریقین بیشتر می‌شود. درباره پایان سریه در منابع عامه دو گونه گزارش وجود دارد:

۱- شکست عرب‌ها و پیروزی مسلمانان تحت فرماندهی عمرو: به قولی ابوعبیده و همراهانش همراه با عمرو تا دورترین نقاط سرزمین عذره و بلقین پیشروی کرده، اتحادیه اعراب را بر هم زدند و آنان را وادار به فرار کردند (ابن سید الناس، ج ۴، ص ۱۷۱-۱۷۲). بلاذری می‌نویسد کفار عرب گرد هم آمده بودند، اما مسلمانان بسیاری از آن‌ها را کشته و غنائم بسیاری به‌دست آوردند (بلاذری، ۱۳۹۴، ۱: ۳۸۱-۳۸۰؛ ۱۰: ۲۷۸). ابن سعد اضافه می‌کند غنائم توسط عمرو تقسیم شد و عوف بن مالک اُشجعی (م ۷۳ ه) به‌عنوان پیشاهنگ سپاه خبر فرار اعراب و سلامتی مسلمانان را به مدینه آورد (ابن سعد، ۱۴۱۸، ۲: ۱۰۰). به‌استناد گزارش مقریزی (م ۸۷۲ ه) در ابتدا کفار مسلمانان را غافل‌گیر کردند (مقریزی، ۱۴۲۰، ۱: ۳۴۴-۳۴۵)؛ اما مسلمانان با آن‌ها قتال کرده و شکستشان دادند (ابن سعد، ۱۴۱۸، ۲: ۱۳۱). ابن ابی‌شیبه (م ۲۳۵ ه) ضمن توصیف حیل‌های جنگی عمرو، روایت را چنان پیش می‌برد که گویی همو (عمرو) عامل پیروزی بوده‌است (ابن ابی‌شیبه، ۱۴۰۹، ۷: ۷۳۰).

۲- کشمکش درونی مسلمانان و ناتوانی در برابر کفار: برخی دیگر از گزارش‌ها غیر این را هم گفته‌اند. ابن کثیر آورده مسلمانان و اعراب باهم رودررو شده و جنگیدند. چون روزگار بر آنان سخت شد، بازگشتند (ابن کثیر، ۱۴۰۸، ۳: ۵۱۷). واقدی می‌نویسد، مسلمانان و مشرکان تا سرزمین بلی پیش رفتند، اعراب که چنین دیدند پراکنده شدند و عمرو و یارانش با بازماندگان کفار قتال کرده و چندی در آنجا ایستادند؛ ولی چون خبری نشد و اوضاع بر مسلمانان سخت شد و غنائم به‌دست نیاوردند، بازگشتند (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۷۱). به‌استناد خبر ابن حبان (م ۳۵۴ ه) و طبرانی (م ۳۶۰ ه) که متفاوت و البته قابل تأمل است، مسلمانان از فرمان عمرو سرپیچی کرده و بیم آن می‌رفت که تسلیم کفار شوند. عمرو مانع شد و پیکی را نزد رسول‌الله (ص) فرستاد (ابن حبان، ۱۳۹۳، ۲: ۲۴، طبرانی، بی‌تا، ۵: ۲۲). بلاذری می‌نویسد عمرو بدون تقسیم غنائم رهسپار مدینه شد (بلاذری، ۱۳۹۴، ۱: ۳۸۱-۳۸۰؛ ۱۰: ۲۷۸) و علت آن کمی شمار سپاهیان و ترس از رویارویی با مشرکان بود (ابن ابی‌شیبه، ۱۴۰۹، ۷: ۷۳۰). براساس گزارش بلاذری و ابن‌اثیر که معتقدند مأموریت عمرو

نبرد با کفار بوده (ابن اثیر، بی‌تا، ۲: ۷۴۲)؛ باید گفت در واقع عمرو و سپاهیان‌ش کاری از پیش نبردند.

بازخوانی مسائل سریه: از مجموع گزارش‌های مربوط به علل وقوع سریه دریافت می‌گردد؛ پس از فتح مکه (۲۰ رمضان سال ۸ هـ)، بخشی از کفار عرب مستقر در مرزهای شمالی جزیره العرب همچنان مصمم بودند تا به سرزمین‌های اسلامی حمله کنند. در عین حال سیره رسول‌الله (ص) بیانگر آن است که آن حضرت از تمام امکانات و منابع برای نشر اسلام، تأمین امنیت قلمرو اسلامی و تضمین آینده جامعه اسلامی بهره بردند. از آنجاکه این موضوع به مذاق بسیاری ناخوش می‌آمد؛ با نافرمانی و نفاق مانع شدند (اربلی، ۱۴۲۱، ۱: ۲۳۲). پس از آن نیز با تحریف اخبار سریه و حقایق دیگر در جهت تأمین منافع قومی و فرقه‌ای و خواسته‌های گروهی گام برداشتند. اسناد و قرائن وجود دارد که به‌وسیله آن می‌توان این تحریف را ثابت و حقایق آن را کشف نمود. در ادامه با بازخوانی اخبار و تکمله آن در منابع دیگر این ادعا بیشتر روشن می‌گردد.

۱- شیوه و مراحل اعزام نیرو: با ارزیابی اخبار و روایات می‌توان گفت نیروهای مسلمان در سه مرحله متوالی و با فرمان مستقیم رسول‌الله (ص) رهسپار ذات‌السلاسل شدند:

۱-۱- در نخستین مرحله، عمرو با شماری از مسلمانان راهی ذات‌السلاسل شد. اعزام عمرو برای نشان دادن آمادگی مسلمانان و اتمام حجت با مشرکان بود (همان؛ ابن شهر آشوب، ۱: ۱۷۴) اما او نتوانست قبایل بلی، قضاعه و عمره را به اسلام دعوت یا از آنها استمداد نماید و لذا مأموریت او برای جمع‌آوری نیرو بی‌نتیجه ماند (مفید، ۱۴۱۳، ۱: ۱۱۴-۱۱۷).

۱-۲- در مرحله دوم، رسول‌الله (ص) بزرگان مهاجر و انصار را به فرماندهی ابو عبیده بن جراح فهری به یاری عمرو فرستاد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ۳: ۱۱۸۶-۱۱۸۷). در منابع عامه درباره حضور علی (ع) در این سریه سخنی به میان نیامده و در عوض درباره فضایل و جایگاه برخی دیگر از صحابه مانند عمرو بن عاص، ابوبکر، عمر و ابو عبیده جراح بزرگ‌نمایی شده است. ابن هشام از قول رسول‌الله (ص) نقل می‌کند که فرمود: «اسلم الناس و امن عمرو» (ابن هشام، بی‌تا، ۲: ۱۰۸). در این مرحله با وجود برخی تحرک‌ها موفقیت چندانی نصیب مسلمانان نشد (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۹۱-۵۹۳؛ مفید، ۱۴۱۳،

۸۷:۱). مطابق آنچه پیش از این گفته شد یا باید جریان سریه را نافرجام رها کرد (جعفریان، ۱۳۸۳: ۶۱۸) و یا به گزارش‌های متناقض بسنده نمود؛ اما واقعیت این است که این سریه دارای مرحله سوم و بخش پایانی است که مورد تغافل برخی منابع واقع شده است.

۲- مرحله سوم سریه: گزارش مرحله سوم بیشتر مورد توجه منابع شیعی اعم از منابع تاریخی کلامی، روایی و تفسیری قرار گرفته و بر اساس آن علی (ع) به فرمان رسول‌الله (ص) عازم ذات‌السلاسل شد و با تدبیر و شجاعت اتحادیه مشرکان را در هم شکسته و مورد توجه و عنایت رسول‌الله (ص) قرار گرفت (مفید، ۱۴۱۳، ۱: ۸۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰: ۸۰۳؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۹۳).

منابع شیعی با استفاده از اخبار پیشینیان شامل صحابه، تابعان و خاصه برخی پیشوایان معصوم مانند امام‌علی (ع)، امام سجاد (ع)، امام‌صادق و امام‌رضا (ع) و مسانید دیگر بر حضور علی (ع) تأکید می‌کنند. از این نمونه می‌توان به فرات کوفی، شیخ مفید، علی بن ابراهیم قمی، ابوعلی طبرسی، شیخ طوسی (م ۴۶۰ ه) و ابن‌شهر آشوب (م ۵۸۸ ه) اشاره کرد (قمی، ۱۴۰۴، ۲: ۴۳۴؛ کلینی، ۱۳۶۵، ۵: ۴۵؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۲: ۵۳؛ مفید، ۱۴۱۳، ۱: ۱۱۳-۱۱۷؛ شیخ طوسی، بی‌تا، ۱۰: ۳۹۵؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۶، ۱: ۱۷۴؛ راوندی، بی‌تا، ۱: ۱۶۸). برابر با این دسته اخبار پس از فتح مکه (۲۰ رمضان سال ۸ ه) و بازگشت رسول‌الله (ص) به مدینه، اخباری از تجمع گروهی از اعراب و آهنگ آن‌ها برای یورش به مدینه به آن حضرت رسید. ایشان مسلمانان را باخبر ساخت (مفید، ۱۴۱۳، ۱: ۱۱۴-۱۱۷) و انصار و مهاجران را در رأس تنی چند از صحابه عازم ذات‌السلاسل کرد که عبارتند از عمرو بن عاص، ابوبکر بن ابی قحافه و عمر بن خطاب. درباره تقدم و تأخر به کارگماری این افراد ناهمسان وجود دارد.

به نوشته دیلمی، ابوبکر و عمر به ترتیب اعزام شدند که چون ترسیدند، رسول‌الله (ص) عمرو را فرستاد (دیلمی، ۱۳۷۶، ۲: ۸۱). شیخ مفید بر این باور است که ابتدا عمرو و بعد از او دیگران رفتند (مفید، ۱۴۱۳، ۱: ۱۱۴-۱۱۷). شیخ طوسی با ارائه قرائن که بر این سریه صدق می‌کند اما بدون ذکر نامی از آن؛ می‌نویسد رسول‌الله (ص)، عمر بن خطاب را به سریه‌ای فرستاد که شکست خورد و بازگشت (شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۴۰۷). راوندی (م ۵۷۳ ه) نیز ضمن پذیرش تعدد فرماندهان سریه از آوردن نام آن فرد یا افراد خودداری کرده‌است (راوندی، بی‌تا، ۱: ۱۶۷). مطابق با این اخبار برخی از صحابه فرماندهی ذات‌السلاسل را در مراحل مختلف بر عهده داشتند.

چالش اصلی منابع سنی و شیعه درباره حضور علی (ع) در این سریره است. به استناد خبر شیخ مفید، رسول الله (ص) به علی (ع) دستور داد تا به ذات‌السلاسل برود (مفید، ۱۴۱۳، ۱: ۱۱۳). آن حضرت مشرکان را به پذیرش اسلام یا قتال فراخواند. چون مقاومت کردند، با آنها جنگید و شکستشان داد و با غنائم به سوی رسول الله (ص) بازگشت. هنگامی که رسول الله (ص) پاهای اسب علی (ع) را دید، خطاب به او فرمود: «.. همانا خدا و فرستاده‌اش از تو خشنود هستند» (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۹۴-۵۹۱؛ یوسفی، ۱۴۱۷، ۲: ۵۷۷-۵۷۶). در فرازی دیگر فرمود: «اگر ترس آن نبود که گروهی از امت من درباره تو چیزهایی بگویند که نصارا درباره مسیح (ع) گفتند امروز سخنی می‌گفتم که از کنار مردم نمی‌گذشتی مگر این که خاک‌پایت را برای تبرک برمی‌داشتند چراکه خدا و رسولش از تو خوشنود هستند» (دیلمی، ۱۳۷۶، ۲: ۸۲). دلایل دیگری که نقش مؤثر علی (ع) را در این سریره ثابت می‌کند عبارتند از: بستن لوا توسط رسول الله (ص) و دعا در حق آن حضرت (راوندی، ۱۴۰۷: ۱۷۲-۱۷۳)؛ هم‌آوردی با جنگاوران مشرکان و هلاکت آنها (مفید، ۱۴۱۳، ۲: ۱۵۱)، تدبیر در محاصره دشمن (ابن جبر، ۱۴۱۸: ۶۳۵-۶۳۶) و سخنان علی (ع) درباره جهاد (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۲، ۲۸-۲۹). از دلایل مهم اثبات حضور علی (ع) نزول سوره عادیات و مطابقت شأن نزول و مضامین آیات سوره با سریره است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰: ۵۲۸ و ۸۰۳-۸۰۴). امام‌صادق (ع) می‌فرماید هنگامی که این سوره بر رسول الله (ص) نازل شد نزد مردم رفت و نماز خواند و یارانش را به نزول این سوره نوید داد و فرمود: «انَّ عَلِيًّا ظَفَرَ بِأَعْدَاءِ اللَّهِ وَ بَشَّرَنِي بِذَلِكَ جِبْرَائِيلَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ» (همان). نصوص روایی (مفید، ۱۴۱۳، ۱: ۱۱۳-۱۱۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰: ۵۲۸)؛ روایات صحابه و تابعان (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۹۱-۵۹۳) و دیدگاه لغویان بر مطابقت این سوره با جنگ و انطباق آن با ذات‌السلاسل از دیگر دلایل اثبات این ادعا است (طوسی، بی‌تا، ۱۰: ۳۹۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰: ۴۴۴-۴۴۵).

۳- موقعیت دیگر صحابه: اشاره شد که برخی از رجال صحابه در این سریره حضور داشتند. از آن جمله‌اند: عامر بن ربیع (م ۳۶ ه)، صهیب بن سنان (م ۳۸ ه)، سعید بن زید بن عمرو (م ۵۱ ه)، سعد بن ابی‌وقاص (مسموم در سال ۵۰ ه) از مهاجران و اسید بن حضور (م ۲۰ ه)، سلمه بن سلامه (م

۴۵ هـ) و سعد بن عبادت (م ۱۵ هـ) از انصار (واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۷۰). ابن سعد در خبری شاذ و تأمل برانگیز از حضور معاویه و مغیره بن زید در این سریه می‌نویسد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ۲: ۳۳۶). چنین به نظر می‌رسد که حضور بزرگان صحابه عامل تقویت روحیه مسلمانان و یکپارچگی و همدلی آنان بوده و مسلمانان را نسبت به اسلام دلگرم می‌کرد (طبری، بی‌تا، ۲: ۳۱۵). وانگهی اخبار موجود درباره اثبات این نظر ناتوان است (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ۲: ۲۸-۲۹). باید گفت عواملی چون اختلاف صحابه بر سر فرماندهی، برتری‌جویی و جاه‌طلبی برخی، سستی در رویارویی با دشمن، تعافل نسبت به احکام شریعت و بی‌توجهی به فرامین رسول‌الله (ص) فرصتی را فراهم آورد تا این سریه میدان آزمون مسلمانان گردد. سریه ذات‌السلasil دو نکته مهم را یادآوری می‌کند: نخست آزمایش صحابه و دیگری اثبات فضایل علی (ع) و برتری بر امر وصایت (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ۲: ۱۸۷). مطابق برخی اخباری که درباره این سریه کتمان شده؛ آشکار می‌گردد که گروهی از صحابه از پذیرفتن فرماندهی علی (ع) سربرتافته و اوامرش را انکار کردند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۰: ۱۲۴). به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که رسول‌الله (ص) عمرو را به فرماندهی مسلمانان برگزید، برای ابلاغ این امر بوده (رازی، بی‌تا، ۲: ۵۹۷) و لذا امارت عمرو دلیل برتری وی بر مهاجران و نادیده گرفتن سوابق صحابه نیست (بیهقی، ۱۴۰۵، ۴: ۴۰۰. نک: عبدالرزاق، بی‌تا، ۱۱: ۳۲۳-۳۲۲؛ صالحی، ۱۴۱۴، ۶: ۱۷۲). این سریه همانند سریه اسامه بن زید (م ۵۲ هـ) است و برخلاف پندار برخی؛ دلالت بر عدم ولایت و شایستگی این افراد بر خلافت و وصایت رسول‌الله (ص) دارد (بحرانی، ۱۴۱۶، ۵: ۸۴۱)

با توجه به آنچه آمد؛ می‌توان گفت یکی از دلایلی که سبب توجه بیشتر منابع عامه به اخبار مربوط به این سریه شده؛ آشکار کردن برتری شیخین برای جانشینی رسول‌الله (ص) است. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ابن حبیب، واقدی و بخاری بر این باورند که ذات‌السلasil برای تأکید بر خلافت ابوبکر (ابن هشام، بی‌تا، ۲: ۶۲۴-۶۲۶؛ واقدی، ۱۴۰۹، ۲: ۷۷۳-۷۷۲؛ بخاری، ۱۴۰۱، باب فضائل ابوبکر، حدیث ۸) و عمر بوده و به سخن رسول‌الله (ص) استناد می‌کنند که فرمود: «لایتامر علیکما احد بعدی» (ابن حبیب، بی‌تا: ۱۲۱). ابن حبان از رسول‌الله (ص) نقل می‌کند که در این سریه فرمود: «من قطع الناس ابابکر و عمر فقد یرشدوا» (ابن حبان، ۱۳۹۳، ۲: ۳۲۶).

اسکافی معتزلی (م ۲۴۰ ه) بر اساس این سربیه خلافت ابوبکر و عمر را بایسته و امامت مفضول بر فاضل را در زمان رسول الله (ص) و پس از آن روا می‌داند (اسکافی، ۱۴۰۲: ۴۳).

ابن ابی عاصم (م ۲۸۷ ه) می‌نویسد هنگامی که عمرو از رسول الله (ص) درباره محبوب‌ترین کسانی پرسید فرمود: از مردان ابوبکر (ابن ابی العالم، ۱۴۱۱، ۲: ۱۰۲). وقتی از عایشه سؤال کردند محبوب‌ترین بندگان نزد رسول الله (ص) کیست؟ با استناد به سخن آن حضرت در این سربیه نام ابوبکر (بخاری، ۱۴۰۱، باب فضائل ابوبکر) و عمر و ابوعبیده جراح را به ترتیب بر زبان آورد (ابن حجر، ۱۴۱۵، ۳: ۴۷۷). این دو حدیث از مهم‌ترین دستمایه‌های اهل سنت بر فضیلت و برتری ابوبکر و عمر است (عبدالرزاق، بی تا، ۱۱: ۲۲۹ و ۳۶۵؛ ابن حنبل، بی تا، ۴: ۱۰۳؛ بخاری، ۱۴۰۱، ۴: ۱۹۳؛ نسائی، ۱۴۱۱، ۵: ۳۹؛ ترمذی، ۱۴۰۳، ۵: ۳۶۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶، ۴: ۱۲؛ نووی، ۱۴۰۷، ۱۵: ۱۵۵-۱۵۸؛ ابن کثیر، ۱۳۹۶، ۳: ۵۲۱-۵۲۰). نووی با استفاده از این حدیث دو مسئله مهم را مطرح می‌کند: ۱- اجماع صحابه و مسلمانان بر تفضیل ابوبکر و عمر و شایستگی آن‌ها بر خلافت. ۲- نبود فرمان صریح (نص) رسول الله (ص) بر امر خلافت و وصایت (نووی، ۱۴۰۷، ۱۵: ۱۵۵-۱۵۶).

بخاری این دست روایات را در باب فضائل اصحاب النبی (ص) آورده و معتقد است آنچه روافض می‌گویند پاک و درست نیست (مقریزی، ۱۴۲۰، ۶: ۳۷).

نتایج پژوهش

سربیه ذات‌السلاسل از رویدادهای برجسته تاریخ صدر اسلام است؛ اما اخبار این سربیه در منابع سنی و شیعه متفاوت است. بسیاری روایات پراکنده است و نتوانسته یک گزارش پیوسته از سربیه ارائه دهد. بسیاری از اخبار درباره سربیه یا غزوه بودن سربیه، مخالفان و ترکیب آنها، زمان و مکان سربیه، فرماندهان و ترکیب نیروهای اعزامی، مراحل اعزام نیرو، مسئولیت افراد، سری حوات، تدابیر پیامبر (ص) و سرانجام سربیه و اهمیت آن دچار اختلاف هستند. این اخبار از منابع مختلف استخراج و براساس معیار جایگاه مؤلف، گرایش‌های فکری مؤلف، اهمیت کتاب و گونه‌شناسی آن در بین منابع اسلامی، شیوه نقل اخبار، تحلیل‌ها و استدلال‌های نویسنده و جایگاه آن در آثار دیگران، از جهت بیرونی و مطابقت حادثه با وقایع قبل و بعد و تاریخ‌گذاری آنها، جایگاه صحابه در منابع صحابه نگاری، عینیت داشتن حادثه با اخبار و مانند آن از جهت درونی تفکیک و مورد ارزیابی

انتقادی قرار گرفت و پس از صحت سنجی روایات، یک گزارش پیوسته از این سربیه ارائه گردید. مطابق این امر رسول‌الله (ص) برای دفع خطر ائتلافی مشرکان و رومیان، جبران شکست موته، حفظ امنیت قلمرو اسلامی و سامان بخشی نیروهای نظامی، گروهی از مسلمانان را به فرماندهی عمرو بن عاص سهمی در جمادی‌الثانی سال ۸ هجری رهسپار شمال شبه‌جزیره و سرزمین ذات‌السلاسل کرد. مأموریت وی استخبار و استمداد بود؛ اما چون اعراب شمالی شبه‌جزیره و متحدان آنها قصد حمله و ایجاد ناامنی داشتند؛ عمرو ناتوان ماند و درخواست کمک کرد. رسول‌الله (ص) گروهی از رجال مهاجران و انصار را به فرماندهی ابوعبیده بن جراح اعزام کرد؛ اما همچنان نتیجه‌ای به دست نیامد. در نهایت علی (ع) را فرستاد که پیروز گردید. از این تحقیق به دست آمد که حقیقت این سربیه دست‌کاری شده و بیشترین انگیزه منابع سنی، فضیلت‌تراشی برای صحابه در برابر اهل‌بیت (ع)، نادیده گرفتن سربیه رسول‌الله (ص) درباره نقش و جایگاه علی (ع) و توجیه حوادث پس از رحلت رسول‌الله (ص) بوده‌است.

منابع و مطالعات

- آذرنوش آذرتاش، (۱۳۸۸) فرهنگ معاصر عربی- فارسی، جلد ۳، [بی‌جا]: نشر نی.
- ابن فارس، احمد، [بی‌تا] مقایسه الله، جلد ۳، تحقیق محمد هارون، بیروت: دارالفکر.
- ابن ابی‌الحدید، [بی‌تا] شرح نهج‌البلاغه، جلد ۶، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیا احیا العربیه.
- ابن ابی‌العالم، (۱۴۱۱ ق) الاحاد و المثانی، جلد ۲، تحقیق جواهره، [بی‌جا]: دار الدرابه.
- ابن ابی‌شبیبه، (۱۴۰۹ ق) المصنف، جلد ۷ و ۸، تحقیق سعید محمد اللحام، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌اثیر، علی، [بی‌تا] اسدالغابه، جلد ۲، تهران: اسماعیلیان.
- ، [بی‌تا] الکامل فی التاریخ، جلد ۲، بیروت: دارصادر.
- ابن‌جبر، علی، (۱۴۱۸ ق) نه الایمان، تحقیق احمد حسینی، قم: مجتمع امام هادی (ع).
- ابن‌حبان، (۱۳۹۳ ق) الثقات، جلد ۲، حیدرآباد: الکتب الثقافیه.
- ابن‌حبیب، [بی‌تا] المحبر، تحقیق ایلزه لیختن شتیر، بیروت: دار الآفاق.
- ابن‌حجر، (۱۴۱۵ ق) الاصابه، جلد ۱ و ۲ و ۳ و ۸، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ، [بی‌تا] فتح الباری، جلد ۷ و ۸، الطبعة الثانیه، بیروت: دارالمعرفه.
- ابن‌حنبل، احمد، [بی‌تا] مسند، جلد ۱ و ۴، بیروت: دارصادر.

- ابن را هویه، اسحاق، (۱۴۱۲ ق) مسند ابن را هویه، جلد ۱، تحقیق بلوسی، مدینه: مکتبه الایمان.
- ابن سعد، محمد، (۱۴۱۸ ق) الطبقات الكبرى، جلد ۱ و ۲ و ۴، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن سیدالناس، (۱۴۰۶ ق) عیون الاثر، جلد ۱ و ۴، [بی‌جا]: مؤسسه عزالدین.
- ابن شبه، عمر، [بی‌تا] تاریخ المدینه المنوره، تحقیق فهیم محمدشلتوت، قم: دارالفکر.
- ابن شهرآشوب، (۱۳۷۶) مناقب آل ابی‌طالب، جلد ۱، نجف: الحیدریه
- ابن عبدالبر، (۱۴۱۲ ق) الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، جلد ۳، تحقیق علی‌محمد البجاوی، بیروت: دارالجمیل.
- ابن عساکر، (۱۴۱۵ ق) تاریخ مدینه دمشق، جلد ۲، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر.
- ابن کثیر، اسماعیل، (۱۴۰۸ ق) البدايه و النهايه، جلد ۳ و ۴ و ۹، تحقیق علی شیری، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ، (۱۳۹۶ ق) السیره النبویه، جلد ۳ و ۴، تحقیق مصطفی عبدالواحد، بیروت: دارالمعرفه.
- ابن منظور، (۱۴۱۴) لسان العرب، جلد ۱۱ و ۱۴، الطبعة الثالثة، بیروت: دارصادر.
- ابن هشام، عبدالملک، [بی‌تا] السیره النبویه، جلد ۲ و ۴، تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الایباری و سلیبی، بیروت: دارالمعرفه.
- احمدی میانجی، علی، (۱۴۱۹ ق) مکاتیب الرسول (ص)، جلد ۱، قم: دارالحديث.
- اربلی، علی بن عیسی، (۱۴۲۱ ق) کشف الغمه، جلد ۱، قم: الرضی.
- اسکافی، محمد، (۱۴۰۲ ق) المعیار و الموازنه، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت: [بی‌تا].
- بحرانی، هاشم، (۱۴۱۶ ق) البرهان فی تفسیر القرآن، جلد ۵، تهران: بعثت.
- بخاری، اسماعیل، (۱۴۰۱ ق) الصحيح، جلد ۴ و ۵، بیروت: دارالفکر.
- ، اسماعیل، [بی‌تا] تاریخ الكبير، جلد ۶، دیاربکر: المکتبه الاسلامیه.
- بلاذری، احمد، (۱۳۹۴ ق) انساب الاشراف، جلد ۱ و ۱۰، تحقیق محمودی، بیروت: الاعلمی.
- بیهقی، ابوبکر، (۱۴۰۵ ق) دلائل النبوة، جلد ۴، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
- بیهقی، احمد، [بی‌تا] السنه الكبرى، جلد ۷، بیروت: دارالفکر.
- ترمذی، محمد، (۱۴۰۳ ق) سنن، جلد ۵، تحقیق عبدالرحمن محمد، بیروت: دارالفکر.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۳ ش) سیره رسول خدا (ص)، قم: دلیل ما.
- حاکم نیشابوری، (۱۴۰۶ ق) المستدرک، جلد ۴، تحقیق المرعشی النجفی، بیروت: دارالمعرفه.

حسن‌زاده، رمضان، (۱۳۸۲) روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، ساوالان.
 حسین طلایی، پرویز، (پاییز و زمستان ۱۳۹۶): "جغرافیایی تاریخی شهر آمد و جایگاه آن در مناسبات ایران و روم در روزگار ساسانیان"، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۱ / شماره ۲۱، دانشگاه سیستان و بلوچستان، صفحات ۸۹-۱۱۶.

حسینی‌همدانی، محمدحسین، (۱۴۰۴ ق) انوار درخشان، جلد ۱۸، تهران: لطفی.
 حلی، ابوالفرج، (۱۴۲۷ ق) السیره الحلبیه، جلد ۲، تهران: دارالکتب العلمیه.
 حلی، جمال‌الدین حسن، (۱۴۱۱ ق) کشف‌الیقین فی فضایل امیرالمومنین (ع)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

خلیفه بن خیاط، (۱۴۱۴ ق) طبقات، تحقیق سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
 دیلمی، حسن، (۱۳۷۶) ارشاد القلوب، جلد ۲، ترجمه علی سلگی، [بی‌جا]: ناصر.
 رازی، محمد بن حسین، [بی‌تا] نزهه الکرام و بستان العوام، جلد ۲، تهران: دانشگاه تهران.
 راوندی، ضیاء‌الدین، (۱۴۰۷ ق) النوادر، تحقیق عسکری، [بی‌جا]: دارالحديث.
 راوندی، قطب‌الدین، [بی‌تا] الخرائج و الجرائح، جلد ۱، قم: الإمام المهدی.
 سجستانی، سلیمان، (۱۴۱۰ ق) سنن ابی‌داوود، جلد ۱، تحقیق سعید اللحام، بیروت: دارالفکر.
 سمعانی، عبدالکریم، (۱۳۸۲ ق) الانسان، جلد ۱، حیدرآباد: دائره‌المعارف ال عثمانیه.
 شفیعی خوزانی، سعید، (بهار و تابستان ۱۳۹۳): "کهن‌ترین مکتوبات غیر اسلامی درباره ظهور اسلام و قرآن"، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۸/شماره ۱۴، دانشگاه سیستان و بلوچستان، صفحات ۱۱۳-۱۴۰.

شیخ صدوق، محمد، (۱۴۱۳ ق) من لا یحضره الفقیه، جلد ۲، قم: جامعه مدرسین.
 ---، (۱۳۷۸ ق) عیون اخبار الرضا (ع)، جلد ۲، تهران: نشر جهان.
 صالحی شامی، محمد، (۱۴۱۴ ق) سبل الهدی فی سیره غیر العباد، جلد ۴ و ۶، تحقیق عادل احمد، بیروت: دارالکتب العلمیه.

طبرانی، سلیمان، [بی‌تا] المعجم الکبیر، جلد ۵ و ۲۲، الطبعة الثانیه، تحقیق السلفی، قاهره: ابن تیمیه.
 طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۷ ق) اعلام الوری بأعلام الهدی، جلد ۱، قم: آل‌البتیت.
 ---، (۱۳۷۲) مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۰، تهران: ناصر خسرو.
 طبری، محمد، [بی‌تا] تاریخ الامم و الملوک، جلد ۲ و ۳، بیروت: مؤسسه مؤسسه.
 شیخ طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق) الأمالی، قم: دارالثقافه.

- [بی‌تا] التبیان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۰، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- عاملی، سیدجعفر مرتضی (۱۴۲۶) الصحیح من سیره النبی الأعظم، جلد ۲۰، قم: دارالحدیث.
- عبدالرزاق، ابوبکر، [بی‌تا] المصنف، جلد ۵ و ۱۱، تحقیق حبیب الاعظمی، [بی‌جا]: المجلس العلمی.
- فرات کوفی، (۱۴۱۰ ق) تفسیر، جلد ۲، تحقیق محمد کاظم، ایران: وزراة الثقافه و الإرشاد الاسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ ق) تفسیر قمی، جلد ۲، الطبعة الثانية، قم: دارالکتاب.
- (شیخ) کلینی، محمد، (۱۳۶۵) الکافی، جلد ۵، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق) بحار الأنوار، جلد ۹۰، بیروت: الوفاء.
- مسعودی، علی بن حسین، [بی‌تا] التنبیه و الاشراف، جلد ۱، تصحیح عبدالله الصاوی، قاهره: دارالصاوی.
- مسلم بن حجاج نیشابوری، [بی‌تا] المسند الصحیح، جلد ۷، تحقیق محمد عبدالباقی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- (شیخ) مفید، محمد، (۱۴۱۳ ق) الإرشاد، ۲ جلد، قم: کنگره شیخ مفید.
- معروف حسنی، هاشم، (۱۳۸۲ ق) سیره الأئمة الاثنی عشر علیهم السلام، جلد ۲، نجف: مکتبه الحیدریه.
- مقریزی، تقی‌الدین، (۱۴۲۰ ق) امتاع الاسماع، جلد ۱ و ۴ و ۷، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- موسوی همدانی، محمد باقر، (۱۳۷۴) ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۲۰، قم: جامعه مدرسین.
- نسائی، احمد، (۱۴۱۱ ق) السنه الکبری، جلد ۵، تحقیق بنداری و غیره، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- نووی، (۱۴۰۷ ق) شرح مسلم، جلد ۱۵، الطبعة الثانية، بیروت: دارالکتاب العربی.
- واقدی، محمد، (۱۴۰۹ ق) المغازی، جلد ۲، بیروت: الاعلمی.
- هیثمی، نورالدین، (۱۴۰۸ ق) مجمع الزوائد، جلد ۹، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- یعقوبی، احمد، [بی‌تا] تاریخ، جلد ۲، قم: اهل‌البيت (ع).
- یگانه، علی؛ کامران فر، احمد؛ قلیزاده، محمدرضا (بهار و تابستان ۱۴۰۰): "گستره ژئوپلیتیکی رقابت‌های ایران ساسانی با روم شرقی و تأثیر آن"، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۵/شماره ۲۸، دانشگاه سیستان و بلوچستان، صفحات ۳۸۳-۳۶۴.
- یوسفی، محمدهادی، (۱۴۱۷ ق) موسوعه التاریخ الاسلامی، جلد ۲، قم: مجمع الفکر الاسلامی.